

عناوین مهمہ روزنامہ خاطرات غلامعلی خان

عزیز السلطان

« ملیجک ثانی »

۱۳۳۴ ہجری قمری

سنہ یکہزار و سیصد و سی و چہار

ہجری قمری

یک سینه ریز جواهر والا حضرت اقدس به زن قنسول روس مرحمت فرموده بودند، رفتم قنسولخانه، سینه ریز را به او دادم، انداخت سینه اش.

سه شنبه ۳ محرم ۱۳۳۴



قشون روس از قزوین به طرف طهران حرت کرده است که بروند به طهران و بعضی ها را که اغتشاش می کنند از دولت بخواهند!

پنجشنبه ۳ محرم ۱۳۳۳



طهران هم انقلابی است مردم رفته اند زیر اسلحه، سپهدار هم مشغول جمع آوری سرباز و قشون است.

پنجشنبه ۳ محرم ۱۳۳۴



والا حضرت اصرار زیادی دارند که کشیک خانه را به من مرحمت بفرمایند ولی من نمی خواهم از شغل صندوقخانه دست بردارم برای این که کاری است دور از «پلتیک!»

جمعه ۴ محرم ۱۳۳۴



وضع تبریز طهران به کلی تفاوت دارد، با این همه جمعیت و دسته جات سینه زن، یک زن در بازار دیده نمی شود.

شنبه ۵ محرم ۱۳۳۴



بعضی اخبارات بد از طهران رسیده و اسباب وحشت گردیده قشون

روس از قزوین به طرف طهران حرکت کرده بعضی چیزها از دولت خواسته‌اند.

یکشنبه ۶ محرم ۱۳۳۴

□□□

در بازار مجالس متعدد کرده‌اند از هیأت دولت و سفرا و وزراء که با قشون روس چه بکنند؟ آیا اعلان جنگ بکنند یا از در مصالحه پیش بیایند!

□□□

گویا قشون روس در یک فرسخی «ینگه امام» مانده‌اند و طهران مشغول مذاکره هستند!

□□□

داستان مهاجرت:

اخبارات خوب از طهران رسید دولت با دولت روس و انگلیس مشغول اصلاحات هستند. «آلمانوفیل»ها خیلی زیاد تند رفته بودند اعلیحضرت هم کالسکه‌اش دو سه شب در در اندرون حاضر بوده است برای حرکت، بنا بود هیأت وزراء با اعلیحضرت حرکت بکنند...

دوشنبه ۱۴ محرم ۱۳۳۴

□□□

یک تلگراف هم اعلیحضرت به امپراطور روس کرده‌اند مبنی بر دوستی و اتحاد.

دوشنبه ۱۴ محرم ۱۳۳۴

□□□

آقا میرزا حسن مجتهد سخت ایستاده است که بایستی رکن

الممالک برود.

دوشنبه ۲۱ محرم ۱۳۳۳

□□□

کار نظام الملک سخت تق و لق شده است، علماء سخت بر ضدش هستند، مخصوصاً امام جمعه.

جمعه ۲۵ محرم ۱۳۳۳

□□□

مجدالملک رفت پیش نظام الملک و گفت فردا مردم خیال بلوا دارند، تا احترامات تو باقی است، خودت استعفا بکن و زودتر برو که خطر جانی دارد، باری به هر طوری بود استعفا کرد، دلش نمی آمد که استعفا بکند.

شنبه ۲۶ محرم ۱۳۳۳

□□□

والا حضرت فرستادند کابینه نظام الملک را ضبط کرده، کاغذجاتش را آوردند (و) به دست معتصم الملک سپردند.

چهارشنبه ۳۰ شهر محرم ۱۳۳۳

□□□

میانہ مجدالملک، سردار رشید(و) شریف الدوله معلوم نیست که کی چه کاره است؟... هر سه کبابه ریاست می کشند.

یکشنبه ۴ شهر صفر ۱۳۳۳

□□□

همدان اهمیت پیدا کرده، ایلات لرستان هم سخت ایستادگی دارند که با دولت روس بجنگند.

شنبه ۱۰ شهر صفر ۱۳۳۳

□□□

ایلات برخلاف بی طرفی جداً جنگ دارند.

شنبه ۱۰ شهر صفر ۱۳۳۴

□□□

کمیته‌ای که در قم بودند اسم کمیته را گذاشته‌اند «خورشید احمر» و با کمال جدیت مشغول کار هستند.

شنبه ۱۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

ژاندارمری‌ها همه جا با مجاهدین هستند و بر ضد دولت روس و انگلیس هستند مخصوصاً صاحب منصب‌های سوئدی که سخت بر ضد روس‌ها هستند.

شنبه ۱۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

نایب حسین کاشی... در جزء مجاهدین شده، با پسرهایش آمده‌اند همدان

شنبه ۱۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

میلیون می‌خواهند با آلمان و عثمانی متحد بشوند و بعضی‌ها می‌خواهند با روس و انگلیس بسازند، دولت ایران در میان این دو رأی گیر کرده است.

□□□

شنبه ۱۰ صفر ۱۳۳۴

(والا حضرت) بر حسب معمول سلاطین نسبت به شکارچی‌ها فحش دادند و تغییر فرمودند.

جمعه ۱۶ صفر ۱۳۳۴

□□□

والاحضرت خیلی اصرار داشتند که من کشیکخانه را قبول بکنم و من عجالتاً رد کردم.

یکشنبه ۱۸ صفر ۱۳۳۲

□□□

والاحضرت اقدس سردار رشید امیر نویان را پیشکار کل و در واقع معاون کل فرمودند.

شنبه ۱۹ صفر ۱۳۳۲

□□□

از امشب، شب‌ها را در اطاق مخصوص خود والاحضرت می‌خوابم. سالار عشایر هم با سوارهایش می‌آیند کشیک.

شنبه ۱۹ صفر ۱۳۳۲

□□□

مستوفی الممالک استعفا کرده و اعلیحضرت هم استعفایش را قبول کرده‌اند.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۲

□□□

قشون زیادی هم از روس‌ها، متصل وارد خاک ایران شده و از راه رشت متصل می‌روند به طرف همدان

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۲

□□□

مجاهدینی هم که در همدان هستند یک جنگ مختصری کرده، فرار کرده‌اند همدان هم به تصرف روس‌ها در آمده است.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۲

□□□

اداره ژاندارمری از حکم و پلی تیک دولت متمرّد شده، خلاف بی طرفی رفتار می کنند.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

کمیته دفاع ملی هم... از شنیدن اخبار حرکت قشون روسی فرار را برقرار کرده به طرف اصفهان رفته اند.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

قشون روس هم همه جا فاتح شده، هر کجا ژاندارم دیده اند کشته اند یا لخت کرده اند.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

آقا سید محمد طباطبائی، آقا سید حسن مدرس و پسر آقا سید محمد هم به طرف اصفهان رفته اند.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

قشون روس... در کمال آرامی وارد قم شد.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

نایب حسین... با میلیون یکی شده بود. از قراری که انتشار داشت با روس ها هم ساخته بوده است.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

گویا به قدر یک هزار و پانصد نفر قشون روس در زرگنده و قیطره
رفته منزل کرده‌اند.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

صاحب‌منصب‌های (نظمیه) که از طهران آمده‌اند، اغلب مرخص
شده‌اند و سایرین هم از گرسنگی خواهند رفت.

یکشنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۴

□□□

فرمانفرما استعفا کرده، و سپهسالار اعظم به رسمیت ریاست
وزرائی منصوب شده است.

سلخ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴

□□□

شعبانعلی زنجانی... برای اغتشاش از طرف آلمان‌ها آمده است
توی ایل چیبانلو.

۵ جمادی الاول ۱۳۳۲

□□□

رئیس قزاق‌ها گفته بود، از تبریز به امن امر شده است که من به
جنگ بروم... خیلی اوقات والا حضرت و امیر نویان تنگ شد.

۵ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

امروز در منزل سالار عشایر مشغول قمار بودند... به این جهت
خلق مبارک تنگ شده بود.

۵ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

سردار نصرت خودش در اردوی امیر نوین پناهنده شده است.

۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

قشون روس کرمانشاه را از دست قشون عثمانی و مجاهدین گرفته (است)

۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

جمعی رفته اند سفارت روس در طهران و گفته اند:

ما عدلیه را نمی خواهیم، مشروطه را نمی خواهیم، ژاندارمری را

نمی خواهیم... شام و نهار می دهند معلوم نیست کی به آنها پول و خرجی می دهد.

شنبه ۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

بیوک خان سردار نصرت... آدم رشیدی است ولی عوام است.

۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

صمصام نظام رئیس ایل محمد خالو را هم آوردند در کشیک خانه

حبس کردیم.

۲۹ جمادی الاول ۱۳۳۴

□□□

از رشت... برای سردار سطوت تلگراف آمده که امیر بهادر جنگ

که مدتی است احضار به طهران شده است، وارد رشت شده است. خیلی

خوشحال بود.

۴ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

معتضد السلطنه مست کرده بود و نسبت به روس‌ها فحش داد و ناظم الداله به حمایت روس‌ها بر آمده بنا کرد به معتضد السلطنه فحش پدر دادن.

۶ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

مجد الملک امروز رسماً استعفا کرده است از ریاست درب خانه.

۸ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

روس‌ها... از طرف کرمانشاهان وارد خاک عثمانی شده‌اند... و منتصرالدوله و ملک زاده پسر ملک المتکلمین را در آباده دستگیر کرده‌اند.

۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

«تما تیف» کفیل قنصلگری حاجی اسماعیل خان را حبس کرده، والا حضرت هم سخت ایستادگی کرد. که اگر حاجی اسماعیل تنبیه نشود، من شهر را تخلیه کرده، خواهم رفت.

۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۳

□□□

سپهسالار اعظم... وکلای مجلس را خواسته است و گفته است که دولت پول ندارد به شماها بدهد!

۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

امیر بهادر جنگ هم وارد طهران شده و حضور همایونی شرفیاب

شده و لقب سپهبد اعظمی هم مرحمت شده است.

چهارشنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

حاجی اسماعیل خان سرابی را هم آوردند به کارگزاری و تبعیدش کردند و تمام امتیازهای دولتی را از او گرفته بردند که تا والا حضرت اجازه ندهند حق آمدن به خاک ایران را نداشته باشد.

دوشنبه ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

معتصم الملک أم الفساد هم امروز گورش را پدر... کم کرده رفت به طهران از راه روسیه.

پنجشنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

امروز والا حضرت زودتر بیرون تشریف آورده برای تهیه (استقبال) معاون لشگری جانشین قفقاز که روز ۳ شهر رجب خواهد بود

شنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۳۴

□□□

امروز روزافتتاح رسمی راه آهن و ورود معاون جانشین نیکلای است.

شنبه ۳ رجب ۱۳۳۴

□□□

والا حضرت بعد مراجعت فرمودند و آمدند توی واگنی که مخصوص برای سواری والا حضرت آورده اند. این واگن بسیار خوب... تاریخی هم هست (و) مال ناپلئون سوم است.

شنبه ۳ رجب ۱۳۳۴

□□□

عصری، ژنرال معاون با سایر ژنرال‌ها خواهند آمد و نشان عقاب سفید را از طرف دولت روس برای والا حضرت خواهند آورد.

شنبه ۳ رجب ۱۳۳۴

□□□

یک قطعه تمثال مرحوم ناصرالدین شاه (را) والا حضرت به دست خودشان انداختند به گردن معاون.

شنبه ۳ رجب ۱۳۳۴

□□□

تلگراف هم امپراطور رسیده که نشان من و اعلم الملک و حشمت السلطنه قبول شده و فرمانش از صحه امپراطور گذشته.

یکشنبه ۴ رجب ۱۳۳۴

□□□

این لکوموتیوها که در ایران کار می‌کند مُدِ قدیم است که در این خط کار می‌کند، رئیس راه فوراً تلفن کرد که یک لکوموتیو اختراع جدید از جلفا بیاید، فوراً آمد.

دوشنبه ۱۲ رجب ۱۳۳۴

□□□

از این جا به «ارومی» هفت هشت ساعته می‌رود. شش هفت ساعتش توی آب دو ساعت هم درشکه از راه خشگی.

دوشنبه ۱۲ رجب ۱۳۳۴

□□□

تفنگ‌هایی که به دست این عده قشون است تمام سرتیر فرانسه

است و نو، معلوم می شود تازه آورده اند. این عده قشون هم تازه داخل در جنگ می شوند، هنوز جنگی نکرده اند (و) اغلب جوان و خوشگل هستند.

دوشنبه ۱۲ رجب ۱۳۳۴

□□□

سردار سطوت به منصب ژنرال آجودانی مفتخر شد.

سه شنبه ۱۳ رجب ۱۳۳۴

□□□

جلال الملک به سمت معاونت کل مالیه آذربایجان آمده است. نصرالدوله هم معاونت قشون و تفتیش.

شنبه ۱۷ رجب ۱۳۳۴

□□□

محمد حسین میرزا پسر شاهزاده فرمانفرما که در روسیه مشغول تحصیلات بود و در جزء گارد امپراطور روس است دیشب وارد تبریز شد.

دوشنبه ۱۹ رجب ۱۳۳۴

□□□

حیاطی که والا حضرت استراحت می فرمودند به کلی اندرونی شده است.

۲۷ رجب ۱۳۳۴

□□□

«موسیو کورنزا» که از طهران آمده اسمش مفتش مالیه است ولی رسماً از رئیس بالاتر است، چون که مالیه ایران در کنترل دولتین روس و انگلیس شده است.

۶ شعبان ۱۳۳۴

□□□

مجیدالدوله به طهران خواهد رفت. وکالت والا حضرت هم در طهران به او واگذار شد. دو اسب هم والا حضرت از برای اعلیحضرت معین فرمودند که به معیت مجیدالدوله روانه بدارند.

۶ شعبان ۱۳۳۴



جمعی از اهالی تبریز از رجال و جمعی از تجار، عریضه به حضور والا حضرت عرض کرده‌اند برای محمد ولی میرزا که ما او را نمی‌خواهیم... عریض ما را درست به عرض نمی‌رساند. از قرار دست امیر نویان که پیشکار کل است با شریف الدوله توی کار بوده...

دوشنبه ۱۰ شعبان ۱۳۳۴



امیر نویان قهر کرده، عریضه استعفا نوشته، نیآمده... مجتهد هم آمده بود برای عزل محمد ولی میرزا که رئیس کابینه والا حضرت است.

سه‌شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۳۴



وضع دربار بر هم خورده است، مجتهد و تجار عزل محمد ولی میرزا را خواسته‌اند.

سه‌شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۳۴



به والا حضرت تلگراف زده بود سپهسالار اعظم که، از امیر نویان استمالت بفرمائید. تلگرافی هم به خود امیر نویان شده بود که هر کس را مخالف با خودت می‌دانی تبعید بکن.

چهارشنبه ۱۲ شعبان ۱۳۳۴



باری عصر هم شریف الدوله دستخط عزل محمد ولی میرزا را صادر کرد خطاب به مجتهد که:

بر حسب تقاضای اعیان و اشراف و تجار محمد ولی میرزا را از ریاست کابینه منفصل فرمودیم.

چهارشنبه ۱۲ شعبان ۱۳۳۴

□□□

از طهران... بعضی تلگراف‌های رمز رسیده بود، تهدیدات به والا حضرت که با امیر نویان به طور خوب راه برود. پیشکار آذربایجان را هر روز نمی‌شود عوض کرد.

جمعه ۱۴ شعبان ۱۳۳۴

□□□

سلام منعقد شد، معزالدوله مخاطب شده بود، «مسیو کورنو» رئیس مالیه بلجیکی هم کلاه ایرانی گذارده بود.

شنبه ۱۵ شعبان ۱۳۳۴

□□□

همان اشخاصی که بر ضد محمد ولی میرزا قیام کرده بودند و کاغذ نوشته بودند و قهر کرده بودند، آمده بودند مشایعت.

دوشنبه ۱۷ شعبان ۱۳۳۴

□□□

سوار می‌خواستند جمع آوری بکنند برای جلوگیری از شاهسون‌ها ولی دیگر محتاج نشدند. قشون روس را سپهسالار اعظم حکم کرد که بروند جلو شاهسون‌ها را بگیرند.

چهارشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۴

□□□

موتق الملک که پیشکار خاص شده و حامل خلعت یعنی نشان اقدس و بند شمشیر الماس است امروز وارد «باسمنج» شده، فردا بعد از ظهر وارد خواهد شد.

یکشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۳۲



(والاحضرت) یساول قزاق را هم با زن و دخترهایش دعوت کرده بودند. زن قنسل روس با زن یساول بد است. قنسل روس جداً می‌گوید یساول نبایست در مهمانی حضور داشته باشد.

پنجشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۳۲



نایب حسین کاشی دوباره اطراف کاشان پیدا شده است و مشغول چپاول و غارت است.

یکشنبه اول رمضان ۱۳۳۲



حضرت اقدس آقا (نایب السلطنه) و سپهسالار اعظم تلگرافی برای والا حضرت عرض کرده‌اند (و) خواهش ریاست کابینه ولایت عهدی را برای اعزاز السلطنه کرده‌اند.

سه‌شنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۳۲



می‌گویند گنبد مطهر حضرت سید الشهداء را عثمانی‌ها توپ بسته‌اند.

سه‌شنبه ۱۰ رمضان ۱۳۳۲



راه تبریز به طهران را شاهسون‌ها امسال هم سخت مغشوش کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۱ رمضان ۱۳۳۴

□□□

عثمانی‌ها هم که آمده بودند و کرمانشاهان را گرفته بودند دوباره روس‌ها آن‌ها را شکست داده از کرمانشاهان آن طرفشان کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۳۴

□□□

تلگرافی برای حضرت اقدس ظل السلطان زده بودم. جواب خوبی که در کمال مهربانی بود زنده بودند. سوادش هم این است.

شنبه ۲۱ رمضان ۱۳۳۴

□□□

مرض ویا هم در «ارومی» چندین نفر را تلف می‌کند.

دوشنبه ۲۳ رمضان ۱۳۳۴

□□□

دیگر اخبار که انتشار دارد، اعلی‌حضرت به سپهسالار اعظم متغیر شده‌اند.

سه شنبه ۲۴ رمضان ۱۳۳۴

□□□

گویا تمام رؤسای دولتی از ساوجبلاغ فرار کرده‌اند.

شنبه ۲۸ رمضان ۱۳۳۴

□□□

قنسل روس یک نفر نماینده روزنامه «الیستراسیون» را به حضور

معرفی کرد عکس‌هایش خوش وضع نبود و موافق سلیقه من نبود می‌خواستم مانع بشوم ولی دستم نرسید. عکسی که انداخت با قنسل انداختند و من خوشم نیامد، عاقبت خوبی نخواهد داشت.

یکشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۳۲

□□□

میرزا حسن آقای مجتهد دیروز از تختِ توی حیاط زمین خورده سرش شکسته است.

سه شنبه غره شوال ۱۳۳۲

□□□

امروز سردار سطوت از حکومت تبریز و ریاست نظمیہ مغزول شد، روس‌ها از او راضی نبودند (چون) یک نفر سالدات روس را پشت باغ شمال کشته‌اند.

پنجشنبه ۳ شوال ۱۳۳۲

□□□

(والاحضرت) به (سردار سطوت) فرمودند ریاست فراش خانه را به تو مرحمت فرمودیم، او قبول نکرد.

پنجشنبه ۳ شوال ۱۳۳۲

□□□

مدتی بود می‌خواستم از ریاست کشیک خانه استعفا بکنم. عرض کردم از برای خاطر من یک کار مهم سرکاری را می‌خواهند ضایع بکنند من در کمال رضایت و خشنودی این کار خودم را به سردار سطوت واگذار می‌کنم خودم قلمدان را آوردم و استعفا کردم...

پنجشنبه ۳ شوال ۱۳۳۲

□□□

قنسل روس مجدداً چند نفر را پیشنهاد کرد که بایست از شهر تبریز تبعید بشوند.

شنبه ۵ شوال ۱۳۳۴

□□□

از طهران تلگراف رسیده که کابینه وزراء تغییر کرده است، یعنی سپهسالار اعظم استعفا کرده است.

چهارشنبه ۱۶ شوال ۱۳۳۴

□□□

صمصام السلطنه معروف به صمصام است. این لقب به آن صمصام بر می خورد!

چهارشنبه ۱۶ شوال ۱۳۳۴

□□□

همدان را هم قشون عثمانی تصرف کرده است (و) روسها به طرف قزوین آمده‌اند.

چهارشنبه ۱۶ شوال ۱۳۳۴

□□□

هنوز وثوق الدوله نتوانسته است تشکیل کابینه بدهد، به هر کس تکلیف وزارت کردند قبول نکرده است.

دوشنبه ۲۱ شوال ۱۳۳۴

□□□

حضرت اقدس ظل السلطان مراجعت به طهران فرمودند.

دوشنبه ۲۱ شوال ۱۳۳۴

□□□